

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد بدین بوم ویر زنده یک تن ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

بیست و هفتم می 2013

دین

ای همسفر!

زمانی سلسله طلائى خوابها و رؤیاهایم بودی و گاه در رهگذر اندیشه ها
فانوس درخشنده و تابانی گشتی که تا بلندای سقف خاطر را نور و فروزندگی
بخشیدی.

اگر به محبتم باوری داری در ابعاد قلبم محراب عبادتت را دریاب.

بین به مهر و عشق تو چنان نیاز و وابستگی دارم که چون عابدی به دین و
مذهبش.

عشق دلپذیر است و رخشنده، چون شبچراغی که در تاریکیها میدرخشد و نور
میپاشد؛ عشق طلسمی ست که شهکارهای افسانه نیش از کتاب زمان هرگز
محو نمیگردد.

عشق هدیه پربهائی ست که با داشتنش طعم درد و سوز و آتش را خواهی
چشید. عشقی که توأم با پدیده های رنجبار هجر و انتظار و ناله و سوز جدائی
و اشک و فریاد است، دلپذیرتر از عشقی ست که در آن مجال درد و آه و ناله
نیست.

من نیز با عشقی که قلبم را ازهم درید و بدشت سوزان هجر و انتظارم
وا گذاشت، هستی بی امیدم را دنبال میکنم. با این حال، تو کاملترین روان من

هستی که هنوز رمز سعادت و آرامش را میان کتاب یادهایت ورق میزنم و ترا
چون دین و مذهبم به باور میسپارم و دوست میدارم.

(ناهید "غزل" غنی زاده - 1362)